

## چهارم عقرب 1392 برابر به 26 اکتوبر 2013

### نقش توافقنامه امنیتی با امریکا در جنگ و صلح افغانستان

#### محمد اکرام اندیشمند

امضای توافقنامه امنیتی میان دولت افغانستان و دولت ایالات متحده امریکا که از سوی رئیس جمهور کرزی به مشورت لویه جرگه محول گردیده است با نظریات متفاوت در جنگ و صلح مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد. برخی این موافقت نامه را عامل جنگ تلقی می کنند و برخی ممد صلح. شماری، آن را سند استیلای استعماری امریکا بر افغانستان می پندارند که استقلال و حاکمیت ملی در گرو آن قرار می گیرد. بعضی در این مورد باور و دیدگاه متفاوت ارائه میکنند و سودهای موافقتنامه را بیشتر از زیان آن می پندارند. در میان این همه دیدگاه ها و باورهای متفاوت و متضاد کدام نگرش و تحلیل با منفعت و مصلحت افغانستان همسویی دارد؟ سود و زیان این موافقتنامه برای افغانستان در دیدگاه معطوف به عقلانیت چیست؟ و . . . . .

#### عامل تداوم و تشدید جنگ:

به باور برخی از تحلیلگران امضای توافقنامه امنیتی آتش جنگ را بیشتر از پیش مشتعل می سازد و توافقنامه در واقع بمثابة ی روغنی است که بروی این آتش می ریزد. موافقتنامه امنیتی به دوام جنگ می انجامد و حتی جنگ را تشدید می کند. مبنای این نگرش و تحلیل، از دیدگاه و موقف طالبان ناشی می شود که آنها قطع جنگ را به خروج نیروهای امریکایی و ناتو مشروط می کنند. در حالی که امضای توافقنامه امنیتی با امریکا بر عکس به بقای این نیروها می انجامد که بصورت طبیعی عامل دوام جنگ می شود. در نگاه به سیاست و دیدگاه همسایگان افغانستان به خصوص پاکستان و ایران که مخالف حضور نیروهای امریکایی و ناتو به ویژه مخالف حضور دراز مدت آنها در یک پیمان امنیتی می باشند، این توافقنامه نیز عاملی تدام و تشدید جنگ ارزیابی می شود.

#### زمینه ساز صلح و ثبات:

برخی بسوی موافقتنامه امنیتی میان ایالات متحده امریکا و افغانستان به عنوان مؤلفه ی صلح و ثبات در افغانستان نگاه می کنند. به باور این تحلیلگران، توافقنامه امنیتی که موجب ایجاد پایگاه های نظامی امریکا و ناتو در افغانستان می شود، امید طالبان و دولت های پاکستان و جمهوری اسلامی ایران را به دوام جنگ و پیروزی در جنگ تا سقوط دولت افغانستان به یأس مبدل می کند. در چنین حالتی، موافقتنامه به عامل بازدارنده تبدیل می شود که جلو دخالت همسایگان را در بی ثبات سازی افغانستان می گیرد. افزون بر آن، انعقاد این توافقنامه امریکا و غرب را

وادر میکند تا به حمایت مالی و نظامی از افغانستان ادامه دهند و این حمایت، به تقویت ثبات و گسترش توسعه در افغانستان منتهی میشود.

### **آیا طالبان با خروج نیروهای خارجی از جنگ دست می کشند؟**

بخش اصلی این ذهنیت که امضای موافقتنامه امنیتی، جنگ را در افغانستان بدرزا می کشاند، از وجود نیروهای امریکایی و غربی به عنوان عامل خارجی جنگ ناشی می شود. ریشه های این ذهنیت به ادعای طالبان بر میگردد که وجود نیروهای های امریکا و ناتو را به عنوان نیروی اشغالگر کافر و نامسلمان، انگیزه و عامل جنگ خود تلقی می کنند. طالبان هرگونه مذاکره در مورد صلح را مشروط به خروج نیروهای غربی میدانند و امضای توافقنامه امنیتی با امریکا را که به بقای این نیروها می انجامد مانع اصلی صلح و عامل دوام جنگ عنوان می کنند. آیا عدم امضای توافقنامه امنیتی با امریکا و خروج کامل نیروهای امریکایی و ناتو به جنگ طالبان نقطه ی پایان میگذارد؟

اگر عدم امضای موافقتنامه امنیتی با امریکا و خروج کامل نیروهای امریکایی و غربی بهایی در جهت اقناع طالبان به مذاکره و توافق صلح با دولت افغانستان تلقی شود، این تلقی فقط یک اشتباه خواهد بود. این دیدگاه که طالبان به عنوان مجاهدان و مبارزان آزادیخواه و ضد حضور نیروهای خارجی در افغانستان پس از خروج آن نیروها از جنگ دست خواهند کشید، سطحی نگری و غیر واقعی است. آتش جنگ طالبان در سالهای عدم حضور نظامی امریکایی ها و ناتو مشتعل تر و شدیدتر از سالهای حضور این نیروها بود. خشونت و جنایات جنگی طالبان نیز در آن سالها که حتی یک سرباز کافر خارجی در میان مخالفانشان به چشم نمی خورد، گستردگی بیشتر داشت. عدم امضای توافقنامه امنیتی با امریکا و خروج تمام نیروهای امریکایی برخلاف آنکه به جنگ طالبان پایان بخشد، آنها را به جنگ شدید تر و خونین تر می کشاند؛ به همان حد نابرده باری و خشونت آنها پس از خروج نیروهای غربی افزایش می یابد. آیدئولوژی طالبان و وابستگی آنها به دستگاه های اطلاعاتی خارجی و سازمان های تکفیری و افراط گرای دینی نه تنها خشونت آنان را توجیه می کند، بلکه طالبان آن خشونت ها را به عنوان بخشی از الزامات مقدس دینی انجام میدهند .

### **توافقنامه امنیتی و دخالت پاکستان و ایران:**

امضا و عدم امضای موافقتنامه امنیتی و در پی آن حضور و خروج نیروهای امریکا و ناتو، چه تأثیری را بر دخالت پاکستان و جمهوری اسلامی ایران بجا میگذارد؟ برخی امضای موافقتنامه را بهانه و عامل ادامه ی دخالت همسایگان(ایران و پاکستان)در جنگ افغانستان تلقی می کنند. در حالی که دیدگاه و تحلیل متقابل، تأثیر موافقتنامه را بر کاهش دخالت همسایگان مورد تأکید قرار میدهد. هرگاه درستی و نادرستی هر دو دیدگاه به تحلیل و ارزیابی گرفته شود به این پرسش باید پاسخ ارائه کرد که آیا افغانستان بدون امضای موافقتنامه مذکور و در عدم حمایت نظامی و مالی امریکا و غرب توان جلوگیری از دخالت آن همسایگان را دارد؟

پاسخ روشن است. اگر ایجاد توازن نظامی با همسایگان یکی از راه های بازداشتن آنها از دخالت باشد، افغانستان حتی در آینده ی قابل پیش بینی به چنین توانایی و توازن نظامی در برابر پاکستان اتومی و ایرانی در حال تبدیل شدن به قدرت اتومی نخواهد رسید. عدم امضای موافقتنامه امنیتی و محرومیت افغانستان از حمایت نظامی و مالی غرب، این کشور را پس از خروج نیروهای غربی در معرض مداخلات عریان اسلام آباد و تهران قرار میدهد. مداخلاتی که با ناهمسویی و رقابت خصومت بار انجام می یابد و افغانستان به میدان خونین این رقابت تبدیل می شود. افغانستان متأسفانه منحیت کشور عقب مانده، آسیب پذیر و فرو رفته در بحران به حمایت همه جانبه و دراز مدت یک کشور و یا کشورهای مقتدر حمایتگر خارجی نیاز دارد؛ هر چند ناتوانی و ناکامی افغانستان در بهره گیری از این حمایت در جهت استقلال و اقتدار ملی خطر ناک و فاجعه بار است.

### منافع افغانستان در چیست؟

با توجه به تحلیل ها و برداشت های که از سود و زیان موافقتنامه امنیتی دو جانبه وجود دارد، منافع افغانستان در چه نکته ای مضمّن است؟ در امضای موافقتنامه یا عدم امضای آن؟

امضای موافقت نامه که موجب بقای نظامیان امریکایی هر چند به تعداد معدود می شود، هم طالبان و هم ایران و پاکستان را به جنگ تحریک و تحریص می کند. کسانیکه بحران افغانستان را از این زاویه به تحلیل می نشینند و موافقت نامه را بهانه و عامل جنگ تلقی می کنند، راه حل بحران را تاریک و نامحتمل می پندارند و افغانستان را از دسترسی به ثبات، صلح، توسعه و ترقی پایدار محروم می یابند. اما عدم امضای موافقت نامه و ترک تمام نیروهای نظامی امریکا و غرب که به احتمال زیاد موجب کاهش و حتی توقف حمایت مالی و نظامی آنها خواهد شد، به فروپاشی افغانستان در تمام عرصه های حیات می انجامد.

افغانستان در شرایط دشوار کنونی که حتی قادر نیست بودجه ی عادی اش را که کمتر از یک میلیارد دالر است از عواید خود تأمین کند به حمایت همه جانبه و عظیم کشورهای خارجی نیاز دارد. اگر این حمایت به امضای موافقتنامه امنیتی دو جانبه حاصل می شود، منافع افغانستان در امضای آن موافقتنامه نهفته است.

نکته ی بسیار مهم و قابل تأمل آن است که این حمایت برای افغانستان مادام العمر نیست و باید فرصت این حمایت به فرصت استقلال و اقتدار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تبدیل شود. اما بهره گیری از این فرصت به وجود دولت سالم، قانونمدار، پاسخگو و رهبری صادق، وطندوست، دارای تفکر ملی و متعهد به عدالت اجتماعی نیاز دارد. آیا در انتخابات ریاست جمهوری بهار آینده ما شاهد شگوفایی چنین بهاری در جهت شکل گیری دولت سالم و رهبری صادق و شایسته خواهیم بود؟